براهینی بر آگاهی فتنه‌گران ۸۸ از سلامت انتخابات ریاست‌جمهوری دهم

دروغ بزرگ تقلب چگونه شکل گرفت؟

ادامه از صفحه اول

اعضای کمیته صیانت از آرا در جلساتی نیز که پس از انتخابات با برخی نمایندگان مجلس و هیات ویژه شورای نگهبان داشتند، از اقامه «حتی یک دلیل» به نفع «ایده تقلب» عاجز ماندند.

جریان فتنه البته در گسترش «تشکیک» در میان توده هوادار خود بسیار موفق عمل کرد و چنانکه از فضای خیابانی کمپین‌های حمایت از موسوی در آن ایام برمی‌آمد، برای هواداران موسوی این باور به وجود آمده بود که عدم انتخاب موسوی مترادف با «تقلب» در انتخابات است.

شعار «اگر تقلب بشه، ایران قیامت می‌شه» که در روزهای پیش از انتخابات بارها از سوی هواداران موسوی سرداده می‌شد، موید این نظر است.

اصحاب فتنه با نوع اظهارات و رفتار خود این حس را در میان هواداران خود تشدید می‌کردند و در کوره «تشکیک» می‌دمیدند. به عنوان نمونه زهرا رهنورد، همسر میرحسین موسوی در روز سه‌شنبه ۱۹ خرداد ۸۸ در اجتماعی انتخاباتی می‌گوید: «همان‌طور که موسوی گفت هر فرد یک ستاد، می‌گوییم هر فرد یک کمیته صیانت از آرا. ما حضور مردم را می‌بینیم اما از صیانت از آرا نگرانیم».

وی سپس در واکنش به شعار «اگر تقلب بشه، ایران قیامت می‌شه» حضار می‌گوید: «من همین‌جا به وزارت کشور می‌گویم به این شعار مردم توجه کنید یعنی اگر در ایران قیامت شود، وزارت کشور مسؤول آن است»(!)

با اینگونه اظهارات در واقع می‌شد این شعار را به شکل «موسوی پیروز نشه، ایران قیامت می‌شه» نیز خواند!

اصلاح‌طلبان در روز انتخابات و پای صندوق رای نیز فرصت را برای زمینه‌چینی «پروژه تشکیک» که بعدها به «پروژه آشوب» تغییر فاز داد، از دست ندادند. موسوی پس از ریختن رای خود به صندوق می‌گوید: «از حضور سبز همه ملت تشکر می‌کنم که معجزه آفریدند». خاتمی نیز که رای خود را در حسینیه جماران به صندوق ریخته بود نتیجه انتخابات را در صبح روز رای‌گیری اعلام کرد: «همه شواهد امر حاکی است که مهندس موسوی انتخابات را برده است اما من پیشگو نیستم»(!) از همه جالب‌تر سخنان عفت مرعشی، همسر هاشمی‌رفسنجانی است که پس از رای دادن در جمع خبرنگاران اعلام می‌کند در صورت برنده اعلام شدن احمدی‌نژاد مردم به خیابان‌ها بریزند: «اگر تقلب کردن، بریزن تو خیابان‌ها»(!)

گرچه شواهد بالا برای اثبات زمینه‌سازی چندماهه جریان فتنه در «پروژه تشکیک» کفایت می‌کند اما ممکن است برخی نیز مدعی باشند هشدارهای مکرر اصلاح‌طلبان نسبت به سلامت انتخابات می‌توانسته نشانه اطمینان آنها از عدم رعایت امانت مجریان و ناظران در انتخابات پیش رو باشد و این لزوما به معنای زمینه‌سازی برای یک پروژه سیاسی-امنیتی نیست. باید گفت اگر جریانی سیاسی از ماه‌ها پیش از انتخابات از عدم سلامت انتخابات مطمئن است، عقل سیاسی حکم می‌کند خود از عرصه رقابت سیاسی خارج شود و بازی ناسالم انتخابات را به خائنان و دروغگویان واگذارد.

جریانی که با تمام قوا، تجهیزات و پشتیبانی گسترده رسانه‌ای به سوی انتخابات اردوکشی می‌کند و در عین حال مدام دم از «تقلب قطعی» در انتخابات می‌زند یا از «عقل» بی‌بهره است یا از «صداقت» یا از «هر دو».

■ ب- برنامه‌ریزی برای تغییر ساختار قدرت از طریق آشوب خیابانی

روز ۲۱ خرداد ۸۸، نشریه «تایم» در گفت‌وگو با میرحسین موسوی پرده از راز مهمی برداشت که گرچه هضم آن در آن روز برای بسیاری ممکن نبود اما حرکات خیابانی و آشوب‌های پس از انتخابات آن را به‌طور واضح تفسیر کرد: «در جایگاه ریاست‌جمهوری موسوی طبعا کمابیش به اندازه رهبر عالی آیت‌الله علی خامنه‌ای قدرت نخواهد داشت بویژه در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی. اما او [موسوی] موکدا ابراز داشت که تجمعات خیابانی چشمگیر هفته‌های گذشته احتمالا ماهیت ساختار قدرت را به نحوی بنیادین دگرگون خواهد ساخت و در واقع این اتفاق با فشار بر رهبر نسبت به پذیرش بیشتر افکار عمومی رخ خواهد داد. ما پرسیدیم اگر انتخابات را ببازد، آنوقت چه می‌شود؟ او پاسخ داد: تغییر از مدتی قبل آغاز شده است؛ تنها بخشی از آن به پیروزی در انتخابات مربوط می‌شود و بخش‌های دیگر ادامه خواهد یافت و هیچ عقبگردی در کار نخواهد بود».

حرکات رادیکال خیابانی البته هر چند از روز پس از انتخابات به نقطه اوج خود رسید اما در ایام تبلیغات نیز عناصری کوشیدند در نقاط برخورد با هواداران نامزد رقیب موسوی آتش اغتشاش را روشن کنند. به عنوان نمونه در روز جمعه ۱۵ خرداد ۸۸، ۳ دستگاه موتوسیکلت در منطقه هفت‌حوض تهران به آتش کشیده شد و در منطقه تهرانپارس نیز چند دستگاه خودرو که پوسترهای احمدی‌نژاد روی آنها چسبانده شده بود، بر اثر سنگ‌پرانی اغتشاشگران آسیب جدی دید. در نقاط دیگری از تهران نیز حوادثی از این قبیل پیش آمد. همه شواهد حاکی از آن بود که اصلاح‌طلبان خود را آماده می‌کنند تا پس از شکست محتمل در انتخابات، بازی را به هم بزنند و با اردوکشی خیابانی اهداف اصلی پروژه «کودتا» را تحقق بخشند.

در روزهای منتهی به انتخابات نامه‌ها و بیانیه‌های پرشماری از سوی جبهه مخالف احمدی‌نژاد منتشر شد که تحلیل آنها بدبینی اصلاح‌طلبان نسبت به حصول نتیجه دلخواه را نشان می‌داد. آنها در واقع اطمینان داشتند احمدی‌نژاد رقابت را خواهد برد و این گمانه البته پس از مناظره احمدی‌نژاد- موسوی در ۱۳ خرداد تقویت شده بود. استراتژی احمدی‌نژاد در مناظره موجب ایجاد دوقطبی بسیار پرقدرتی در فضای سیاسی جامعه شده بود و حالا دیگر رقابت تنها میان احمدی‌نژاد با موسوی و کروبی دیده نمی‌شد و هاشمی نیز که بسیار تلاش کرده بود به‌رغم پرکاری بسیار در پشت‌پرده مقابله با احمدی‌نژاد باقی بماند، اجبارا به میدان رقابت کشیده شد. مخالفان رئیس‌جمهور وقت تلاش کرده بودند با همه توان و با تخریب پرحجم جامعه را به فاز «نه احمدی‌نژاد» منتقل کنند اما احمدی‌نژاد آن را به «نه هاشمی» تبدیل کرد. در روزهای آخر منحنی رای احمدی‌نژاد بویژه در شهرها و روستاهای کوچک شیب عجیبی یافته بود که هر رقیبی را به وحشت می‌انداخت. در این اوضاع بود که هاشمی‌رفسنجانی در روز ۱۹ خرداد نامه‌ای سرگشاده و «بدون سلام» خطاب به رهبر انقلاب منتشر کرد که بسیار مورد توجه ضدانقلاب قرار گرفت و به دلایل گوناگون از لحاظ تحلیل مسائل پیش آمده پس از انتخابات دارای اهمیت فراوانی است. گرچه بخش عمده این نامه متضمن اعتراض به مطالب مطرح شده از سوی احمدی‌نژاد بویژه در مناظره با موسوی بود اما در ذات خود هدفی دیگر را دنبال می‌کرد، چه اگر هدف هاشمی تنها دفاع از خود و خانواده‌اش بود، این امکان پس از انتخابات از راه‌هایی بهتر و در زمانی فراخ‌تر نیز ممکن بود. بنابراین تحلیل قرین واقع آن است که نامه یاد شده کاملا معطوف به انتخابات و نتیجه آن - که ظاهرا آقایان از پیش خود را در آن شکست‌خورده می‌دانستند - بوده است. هاشمی‌رفسنجانی در این موقعیت با این تحلیل که واکنش احتمالی رهبر انقلاب، آرای احمدی‌نژاد را بشدت کاهش خواهد داد اقدام به نگارش این نامه کرد؛ راهبردی که در صورت موفقیت می‌توانست نتیجه انتخابات را کاملا دگرگون کند.

بخش پایانی نامه هاشمی البته محتوایی متفاوت داشت که حوادث نامیمون پس از انتخابات و آشوب‌های خیابانی به خوبی آن را تفسیر و راز بزرگ «طراحی آشوب» را برملا کرد: «با این همه بر فرض که اینجانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و جریان‌ها این وضع را بیش از این برنمی‌تابند و آتشفشان‌هایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند، در جامعه شکل خواهند گرفت که نمونه‌های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدان‌ها، خیابان‌ها و دانشگاه‌ها مشاهده می‌کنیم... از جنابعالی با توجه به مقام و مسؤولیت و شخصیت‌تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه‌های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم‌اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می‌دانید اقدام موثری بنمایید و مانع شعله‌ور شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید...

سر چشمه شاید گرفتن به بیل/ چو پر شد نشاید گرفتن به پیل».

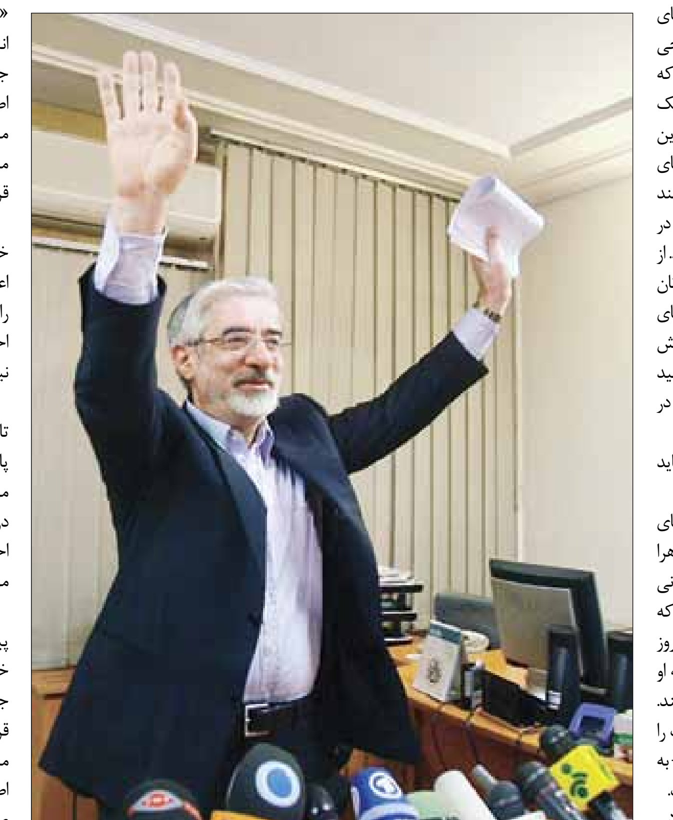

نکته‌ای که در اینجا شایسته توجه است، معنای عبارت «پر شدن» در بیت پایان نامه است که ظاهرا با توجه به فضای حاکم بر نامه بیشتر معنای زمانی دارد، یعنی آقای هاشمی‌رفسنجانی با این تلقی که زمان به سود دوستان او نیست و احمدی‌نژاد پیروز انتخابات خواهد بود، از رهبری انتظار داشت علیه او موضع‌گیری کرده و روند انتخابات را دگرگون کنند. به عبارت دیگر وی موضع‌گیری پس از انتخابات را -چنانکه در نماز جمعه ۲۹ خرداد صورت گرفت - به معنای «پرشدن» و از دست رفتن زمان می‌دانست.

این تیر البته به سنگ خورد و رهبر حکیم انقلاب صلاح جامعه را در سکوت دیدند. فتنه‌گران نیز که راهبرد خود را از دست رفته یافتند تلاش کردند در ساعات پایانی نزدیک به انتخابات از طریق انتشار گسترده شایعه «پاسخ رهبر انقلاب به نامه هاشمی» ملت را در انتخاب راه دچار اشتباه کنند که با تکذیب سریع دفتر رهبر معظم انقلاب ناکام ماندند. حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای همچنین پس از ریختن رای خود به صندوق در اولین ساعت روز انتخابات نسبت به این بداخلاقی‌های سیاسی واکنش نشان دادند: «مردم به این شایعات و دیگر شایعات در خصوص بخش‌های مختلف انتخابات که ساخته انسان‌های ناسالم است توجه نکنند».

همانگونه که موسوی در مصاحبه با «تایم» ناشیانه اعتراف کرده بود، انتخابات ریاست‌جمهوری و پیروزی در آن تنها بخشی از یک «پروژه» بزرگ‌تر بود و فتنه‌گران در عمق راهبرد خود چیزی فراتر از رقابت سیاسی را دنبال می‌کردند؛ راهبردی که با «تشکیک» در سلامت انتخابات آغاز می‌شد و قرار بود در رویکردی ضدامنیتی «ساختار قدرت» در جمهوری اسلامی را از طریق افزایش شکاف‌های اجتماعی و فشار خیابانی دگرگون کند.

■ ج- اطمینان پیشینی از شکست

شکل‌گیری ذهنیت شائبه تقلب در انتخابات به صورت طبیعی وابسته به این است که بر اساس شواهد محکم و استدلال‌های متقن، پیروزی نامزد منتخب دور از انتظار باشد، در حالی که پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات ۸۸ نه‌تنها دور از انتظار نبود که به دلایل متعدد عدم انتخاب او می‌توانست عجیب باشد: اول اینکه مدل رای مردم ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد رئیس‌جمهور مستقر برای دور دوم نیز با اعتماد مردم مواجه می‌شود و به غیر از ۲ دوره نخست ریاست‌جمهوری که «ناتمام» ماند (بنی‌صدر، شهیدرجایی) این رفتار از دوره سوم به بعد تکرار شده است، دوم اینکه از سال ۸۱ به بعد در همه رقابت‌های انتخاباتی اصلاح‌طلبان با شکست روبه‌رو شدند و در مقابل، اصولگرایان خاطره خوش‌تری از مدیریت و تصمیم‌گیری را در ذهن مردم به جا گذاشتند، سوم اینکه برآیند رفتارهای انتخاباتی موجب زنده شدن دوقطبی هاشمی- احمدی‌نژاد در سطح جامعه شده بود و ظرفیت رای منفی هاشمی بارها بیش از احمدی‌نژاد بود. طبعا این مساله بویژه پس از مناظره ۱۳ خرداد احمدی‌نژاد- موسوی تاثیر بالایی بر رشد رای احمدی‌نژاد داشت و دست آخر اینکه نظرسنجی‌های معتبر خارجی و داخلی و نیز پیش‌بینی‌های منابع اطلاعاتی دنیا پیش از انتخابات، ناظران سیاسی را از پیروزی «قاطع» احمدی‌نژاد «مطمئن» کرده بود.

به عنوان نمونه مجله «نیوزویک» پیش از ۲۲ خرداد ۸۸ در گزارشی به پیش‌بینی رسمی «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا» درباره نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری دهم ایران که برای «کاخ‌سفید» و «کنگره» تدوین شده بود، اشاره کرده و پیروزی «قاطع» احمدی‌نژاد را حتمی می‌داند: «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا طی گزارش‌هایی به کاخ‌سفید اعلام کرده بودند که احمدی‌نژاد در انتخابات آتی پیروز می‌شود. ۵ مقام مطلع از گزارش‌های اطلاعاتی آمریکا که مایل به افشای نامشان نبودند اعلام کردند اغلب کارشناسان سیا و دیگر آژانس‌های اطلاعاتی از ابتدا پیش‌بینی می‌کردند محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران به یک «پیروزی قاطع» برسد». همچنین «ریچارد هاس»، رئیس «شورای روابط خارجی آمریکا» که یکی از موثرترین نهادهای تصمیم‌ساز در آمریکا به‌شمار می‌آید، در گفت‌وگو با ارگان اینترنتی این شورا می‌گوید: «تقلب در انتخابات ایران هزینه‌های بسیاری به همراه دارد که هیچ دولتی قادر به انجام آن نیست. بنابراین استدلال مدعیان تقلب در انتخابات ایران از اساس نادرست است».

بررسی رفتار منفعلانه رسانه‌ها و فعالان اصلاح‌طلب پس از مناظره ۱۳ خرداد نیز به طور واضح نشان می‌دهد حامیان موسوی به خوبی از وضعیت آرای نامزد خود آگاه بوده‌اند و برخلاف اصولگرایان که مناظره را کاملا به سود احمدی‌نژاد ارزیابی کرده و مسائل مطرح شده از سوی احمدی‌نژاد را به طور گسترده بازتاب می‌دادند، اصلاح‌طلبان چون موسوی را «بازنده» میدان مناظره یافته بودند، از پرداختن به جزئیات محتوای مناظره خودداری کرده و اغلب به حواشی آن پرداختند. نگاهی به تیترهایی که روزنامه‌های حامی موسوی در صبح روز شنبه ۱۶ خرداد (نخستین شماره پس از تعطیلات نیمه خرداد) برگزیده بودند، خالی از لطف نیست: روزنامه یاس نو: موسوی: مردم فضای دروغ و فریب را عوض می‌کنند، روزنامه سرمایه: میرحسین: آمده‌ام جریان پرونده‌سازی علیه مردم را تغییر دهم، سیدحسن خمینی: اخلاق یعنی دروغ نگوییم و تهمت نزنیم، روزنامه تحلیل روز: ادب مرد به ز دولت اوست، روزنامه کلمه سبز: واکنش‌ها به تاریخی‌ترین مناظره، وکیل زهرا رهنورد: احمدی‌نژاد عذرخواهی نکند شکایت می‌کنیم، موسوی: ایران را از دست دروغگویان و پرونده‌سازان نجات می‌دهیم.

در واقع اصلاح‌طلبان که راهبرد احمدی‌نژاد را موثر دیده و خود را شکست خورده می‌دانستند، کوشیدند با «دروغگو» و «بی‌اخلاق» خواندن او، کمی از آرای او بکاهند.

مسیح مهاجری، مدیرمسؤول روزنامه جمهوری اسلامی و از حامیان موسوی و هاشمی نیز در سرمقاله ۱۶ خرداد این روزنامه برداشت خود از مناظره را اینگونه بیان کرد: «آقای موسوی در برابر این تهاجمات و اتهامات متعجب شده بود که به کدام پاسخ دهد و چون انسان محجوب و محترمی است، اصولا از مناظره چنین تصویری در ذهن نداشت، به همین دلیل او نه توانست برنامه‌های خود را تشریح کند و نه توانست به اتهامات پاسخ دهد».

در واقع پیش‌بینی حجاریان از نتیجه مناظره کاملا محقق شده بود. سعید حجاریان پیش از مناظره به موسوی توصیه کرده بود در مناظره شرکت نکند، زیرا اگرچه عدم شرکت به معنی شکست «۳ بر صفر» موسوی است اما حضور موسوی در مناظره به پیروزی «۶ بر صفر» احمدی‌نژاد منتهی می‌شد.

در عین حال فعالان سیاسی و ستادهای نامزدها در آن ایام با نتایج نظرسنجی‌های مراکز معتبر جهانی نیز روبه‌رو بودند. به عنوان نمونه، نظرسنجی موسسه «ترور فری تومارو» (فردای بدون ترور) که در فاصله ۲۱ تا ۳۰ اردیبهشت ۸۸ در ۳۰ استان کشور انجام شده بود و بر پایه آن احمدی‌نژاد رایی معادل ۲ برابر رقبایش به دست آورده بود. نتایج این نظرسنجی در هفته منتهی به انتخابات در خبرگزاری‌های رویترز و فرانسه منتشر شد. دیگر یافته‌های این نظرسنجی نیز تطابق جالبی با نتیجه انتخابات دهم ریاست‌جمهوری دارد. ۸۹ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کرده بودند در انتخابات شرکت خواهند کرد. در پاسخ به سوال «به چه کسی رای خواهید داد؟» ۳۴ درصد از مصاحبه‌شوندگان اعلام کردند که به احمدی‌نژاد رای خواهند داد و ۱۴ درصد میرحسین موسوی، ۲ درصد رضایی و یک درصد نیز کروبی را نامزد مطلوب خود معرفی کردند. ۱۵ درصد به این سوال پاسخ نداده‌اند و ۲۷ درصد نیز «نمی‌دانم» را انتخاب کرده‌اند، یعنی احمدی‌نژاد در این نظرسنجی دقیقا ۲ برابر مجموع هر سه رقیب خود مقبولیت داشت؛ نسبتی که در ۲۲ خرداد نیز تکرار شد. ۲ موسسه معتبر افکارسنجی «پیپا» و «گلوب‌اسکن» نیز نظرسنجی‌هایی با فاصله چند روز و چند ماه از انتخابات انجام دادند که هرگونه ادعای تقلب را بی‌اعتبار می‌کند. در نظرسنجی «گلوب‌اسکن» که در فاصله ۲۹ خرداد تا ۳ تیر ۸۸ انجام گرفته است، در پاسخ به این سوال که «به چه کسی رای دادید؟»، ۵۶ درصد اعلام کردند به احمدی‌نژاد، ۳۲ درصد به موسوی، ۲ درصد به رضایی و صفر درصد به کروبی رای داده‌اند. ۱۰ درصد نیز به این سوال پاسخ نداده‌اند. در نظرسنجی موسسه «پیپا» نیز که در فاصله ۵ تا ۱۹ شهریور ۸۸ انجام شده، در پاسخ به همین سوال، ۵۵ درصد اعلام کردند به احمدی‌نژاد رای داده و ۱۴ درصد نیز موسوی را انتخاب کرده بودند. رضایی و کروبی نیز به ترتیب ۳ و یک درصد را به خود اختصاص داده بودند. ۲۴ درصد نیز به این سوال پاسخ ندادند. در این ۲ نظرسنجی پرسش‌های دیگری نیز بود که نتایج آن در تحلیل ذهنیت مردم ایران نسبت به انتخابات و ادعای تقلب حائز اهمیت است. در نظرسنجی «گلوب‌اسکن» پرسیده شده بود: «به نتایج اعلام شده انتخابات به چه میزان اعتماد دارید؟» ۵۸ درصد اعلام کردند به نتایج اعلام شده «بسیار» یا «تاحدی» اعتماد دارند. ۳۵ درصد نیز گفتند به این نتایج «تاحدی» اعتماد دارند و یا «اصلا» اعتماد ندارند و ۷ درصد نیز به این پرسش پاسخ ندادند. در نظرسنجی «پیپا» نیز در پاسخ به همین سوال ۸۳ درصد اعلام داشتند به این نتایج «بسیار» یا «تاحدی» اعتماد دارند. تنها ۱۳ درصد گفتند به نتایج «چندان» یا «اصلا» اعتماد ندارند و ۵ درصد نیز این سوال را بی‌پاسخ گذاشتند. توجه به زمان انجام این ۲ نظرسنجی در تحلیل نتایج این پرسش نکات مهمی را روشن می‌کند. در نظرسنجی «پیپا» که شهریور ۸۸ انجام شده نسبت به نظرسنجی «گلوب اسکن» که یک هفته پس از انتخابات صورت گرفته، اعتماد به نتیجه اعلام شده انتخابات ۲۵ درصد رشد یافته است یعنی طرح ادعای تقلب در روزهای پس از انتخابات با توجه به فضای پرابهام و نیز «سکوت» خواص و نخبگان از سوی هواداران نامزدهای شکست‌خورده (۳۵ درصد) مورد قبول واقع شده است اما ۳ ماه پس از انتخابات و با فرونشستن غبار فتنه، توضیحات نهادهای مسؤول، بازشماری تصادفی ۱۰ درصد آرا و برخورد اقناعی نظام با مخالفان تنها ۱۳ درصد از مردم طرفدار ایده تقلب باقی مانده‌اند یعنی بخش عمده هواداران موسوی نیز در همین فاصله پذیرفته بودند مدعیان تقلب در انتخابات «دروغ» گفته‌اند.

در روزهای پیش از برگزاری انتخابات دهم مراکز معتبر داخلی نیز اقدام به افکارسنجی کردند که نتایج آن در آن روزها تنها در اختیار مدیران و ستادهای انتخاباتی قرار گرفت و به صورت عمومی پس از انتخابات انتشار یافت. از این میان ۲ نظرسنجی به لحاظ «اعتبار» و نیز «نزدیکی به انتخابات» جهت بررسی انتخاب شده است. یکی نظرسنجی مرکز افکارسنجی جهاد دانشگاهی (ایسپا) که به صورت سنتی به جریان اصلاح‌طلب نزدیک است و در این انتخابات نیز به موسوی گرایش داشت، دیگری نظرسنجی سراسری مرکز تحقیقات صدا و سیما که طبعا با اصولگرایان قرابت بیشتری دارد.

نتایج نظرسنجی ایسپا در روزهای ۱۹ و ۲۰ خرداد نشان می‌داد ۵۶/۲ درصد از شرکت‌کنندگان اعلام کردند به احمدی‌نژاد و ۲۹/۸ درصد به موسوی رای خواهند داد. همچنین ۵۵/۸ درصد معتقد بودند احمدی‌نژاد در مناظره «صادق»تر بوده و ۳۵/۴ درصد نیز موسوی را «صادق»تر دانستند.

در نظرسنجی مرکز تحقیقات صدا و سیما در تاریخ ۱۲ خرداد (پیش از مناظره)، ۵۰/۴ درصد پاسخ‌دهندگان به احمدی‌نژاد و ۳۴/۴ درصد به موسوی گرایش داشتند اما در نظرسنجی همین مرکز در ۱۷ خرداد (۴ روز پس از مناظره) رای‌دهندگان به احمدی‌نژاد به ۶۵/۳ درصد افزایش و رای‌دهندگان به موسوی به ۳۰/۱ درصد کاهش یافته‌اند.

گذشته از تمام داده‌های افکارسنجی و پیش‌بینی‌های روشمند انجام گرفته در داخل و خارج از ایران، بررسی برخی اظهارنظرها و اخبار جبهه اصلاح‌طلبان، آگاهی آنها نسبت به شکست قریب‌الوقوع در انتخابات را به خوبی نشان می‌دهد. مرتضی حاجی، مدیرعامل بنیاد باران و وزیر دولت اصلاحات که در ایام انتخابات دبیر اجرایی «کمیته صیانت از آرا»ی اصلاح‌طلبان نیز بود در گفت‌وگو با روزنامه «وطن‌امروز» که در تاریخ ۱۰ خرداد ۸۸ انتشار یافت شانس پیروزی اصلاح‌طلبان را بویژه پس از ورود موسوی به عرصه انتخابات و انصراف خاتمی «کم» ارزیابی کرد. همچنین محمد خاتمی چند ماه پیش از انتخابات در گپی با علیرضا علی‌احمدی، وزیر آموزش و پرورش در دولت نهم پیش‌بینی کرده بود احمدی‌نژاد با رایی بسیار بالاتر از انتخابات نهم انتخاب خواهد شد. نقل‌قول علی‌احمدی از خاتمی در رسانه‌ها بازتاب گسترده‌ای یافت و هیچگاه نیز از سوی خاتمی تکذیب نشد.

«خودآگاهی انکارشده» اصلاح‌طلبان نسبت به واقعیت نتایج انتخابات تنها منحصر به پیش از برگزاری انتخابات نبود. میرحسین موسوی در رکوردی تاریخی ۴۰۶۷۶ ناظر پای صندوق‌های رای فرستاد که این تعداد در تاریخ انتخابات در جمهوری اسلامی بی‌سابقه بود. این در حالی بود که احمدی‌نژاد تنها ۳۳۰۵۸ نماینده داشت و مهدی کروبی نیز ۱۳۵۰۶ نفر را برای نظارت بر روند اخذ و شمارش آرا معین کرده بود. ده‌ها هزار ناظر نامزدهای اصلاح‌طلب بر تمام روند انتخابات نظارت داشتند ولی ستاد انتخاباتی موسوی از ساعات اولیه صبح ۲۲ خرداد بارها «بر اساس گزارش‌های دریافتی از سراسر کشور» خبر از پیروزی او «با فاصله زیاد» می‌داد. این «خبرسازی»ها در حالی بود که از فردای ۲۲ خرداد اصحاب فتنه بارها ادعا کردند «ناظران» موسوی به محل صندوق‌ها راه داده نشده‌اند اما نگفتند کدام صندوق‌ها! در روزهای پس از انتخابات نیز که «دروغ بزرگ» به اصطلاح در میان هواداران «گرفته بود» و فضایی پرالتهاب را بویژه در تهران موجب شده بود، حتی یک «سند» یا دست‌کم «اظهار مستند» مبنی بر جابه‌جایی و دستکاری در آرا به نقل از بیش از ۴۰ هزار ناظر میرحسین موسوی انتشار نیافت. نگارنده خود در همان روزها با تعدادی از ناظران موسوی که در تهران و برخی استان‌های شرقی، غربی، جنوبی و مرکزی کشور در محل صندوق‌ها حضور یافته و تا پایان شمارش آرا نیز در محل حضور داشتند گفت‌وگو کردم و همه آنها بالاتفاق بر صحت و سلامت روند انتخابات صحه گذاشتند.

اصحاب فتنه در واقع می‌کوشیدند با پیاده‌سازی طرحی پیچیده که در مراکز خاص خارج از مرزهای ایران تدوین شده بود، دروغی بزرگ را به صورت مصنوعی و با پمپاژ اخبار نادرست، واقعیت جلوه دهند. اما عمر «دروغ‌های واقع‌نما» بسیار کوتاه بود و سیلاب حقیقت که به تدریج تا ۹ دی به اقیانوس بدل شده بود، مرداب متعفن دروغ را در خود مضمحل کرد.

■ د- عدم پیگیری قانونمند ادعای «تقلب»

میرحسین موسوی، اصلی‌ترین رقیب احمدی‌نژاد از همان شامگاه ۲۲ خرداد در حالی که در برخی شعب اخذ رای مردم هنوز در حال رای دادن بودند، در اقدامی نامتعارف رسما مدعی پیروزی در انتخابات شد و حتی زمانی را به‌عنوان برگزاری جشن پیروزی خطاب به هوادارانش اعلام کرد. این در شرایطی بود که قاعدتا در آن ساعات هنوز شمارش آرا آغاز نشده بود. بگذریم که با توجه به دلایل و شواهد پیش‌گفته، موسوی و همراهانش شکست خود را از پیش قطعی می‌دانستند. با این وجود در آن لحظات صدایی «شوم» در فضای سیاسی پایتخت پیچید و کام شیرین شده مردم از حماسه شگفت انتخابات را تلخ کرد.

علاوه بر این استارت آشوب خیابانی در تهران از همین ساعات زده شد و تیم‌های از پیش آماده شده فتنه‌گران که شکست را پیش‌بینی می‌کردند، در برخی مناطق پایتخت دست به تحرکات خشونت‌آمیز زدند. همزمان هیلاری کلینتون، وزیر وقت خارجه آمریکا نسبت به گزارش‌های واصله از انتخابات ایران ابراز نگرانی کرد و خواستار شمارش آرا به صورت «عادلانه» و «شفاف» شد. در روزهای بعد نیز در حالی که آشوب‌طلبان در حاشیه برخی تجمعات اعتراضی هواداران موسوی اموال عمومی را تخریب می‌کردند، موسوی و کروبی با صدور بیانیه‌های متعدد در کوره پرحرارت «دروغ» می‌دمیدند و نتایج رسمی انتخابات را «دستکاری شده» و «مهندسی شده» اعلام می‌کردند. با بالا گرفتن اعتراضات هواداران موسوی در تهران، شورای نگهبان که مسؤولیت قانونی نظارت بر انتخابات را عهده‌دار است، رسما به نامزدهای معترض انتخابات اعلام کرد «اعتراضات مستند» خود را برای بررسی به آن شورا ارسال کنند. ۴۸ ساعت پس از انتخابات موسوی اعتراض‌نامه‌ای ۷ موردی را در اختیار شورای نگهبان قرار داد که نه‌تنها مستند نبود بلکه اساسا ارتباط مستقیمی با شمارش و به قول او «دستکاری» آرا نداشت. اولین اعتراض موسوی اتهام‌زنی احمدی‌نژاد به هاشمی در مناظره بود، دومین مورد کارشکنی مسؤولان برخی فرمانداری‌ها در ارائه کارت به ناظران انتخاباتی مربوط می‌شد، سوم ادعای عدم توزیع مناسب تعرفه‌های انتخاباتی در شعب اخذ رای بود که با توجه به حضور ۸۵ درصدی مردم در انتخابات، ادعایی آمیخته به طنز به نظر می‌رسید. در چهارمین مورد، موسوی به دقایق اضافی تبلیغات احمدی‌نژاد در صدا و سیما معترض بود در حالی که این وقت به صورت قانونی و به دلیل تخریب احمدی‌نژاد در غیاب وی، به او اختصاص یافته بود. تیتر خبرگزاری‌های فارس و ایرنا پنجمین موردی بود که موسوی در اعتراض‌نامه خود به شورای نگهبان گنجانده بود. این در حالی بود که ادعای پیروزی در انتخابات در روز ۲۲ خرداد نه‌تنها به وسیله سایت‌های وابسته به ستاد میرحسین موسوی بارها تکرار شده بود، بلکه شخص وی نیز با ترتیب دادن جلسه‌ای رسمی، خود را «رئیس‌جمهور» نامید. اعتراض ششم استفاده از نظامیان و بسیج در میتینگ‌های انتخاباتی بود و هفتمین مورد نیز به توزیع سهام عدالت از سوی احمدی‌نژاد پیش از برگزاری انتخابات مربوط می‌شد. موسوی با این دلایل، خواستار «ابطال» انتخابات شده بود و در تجمعات اعتراضی دامنه اسناد و مدارک تقلب در انتخابات را «بسیار گسترده» عنوان می‌کرد. هنوز پس از گذشت حدود ۶سال از انتخابات ۸۸ و همه آن آشوب‌ها و تخریب‌ها «حتی یک برگ» سند موید ادعای تقلب از سوی مدعیان انتشار نیافته است.

به‌رغم همه اینها نظام در حالی که مقابله با آشوب‌طلبان خیابانی را برای تامین امنیت مردم وظیفه خود می‌دید، مشی تعامل با نامزدها را در پیش گرفت و برای جلب همکاری و اطمینان آنان تسامح بسیاری از خود بروز داد. شورای نگهبان در کمتر از ۳ روز پس از انتخابات آمادگی خود را برای استماع اظهارات و دریافت اسناد و مدارک نامزدهای معترض اعلام کرد. به این ترتیب نمایندگان موسوی، کروبی و رضایی- که هر سه به نتیجه انتخابات معترض بودند- در شورای نگهبان حضور یافتند و نظرات خود را مطرح کردند. علاوه بر این در روز سه‌شنبه ۲۶ خرداد نیز نمایندگان ستادهای انتخاباتی هر ۴ نامزد در جلسه‌ای رسمی به دیدار رهبر انقلاب رفتند و همه اعتراضات خود را بیان کردند. اخبار و گزارش‌های رسمی و غیررسمی منتشر شده از این جلسه نیز نشان داد نمایندگان نامزدهای معترض، توانایی مستدل کردن درخواست «ابطال» انتخابات را نداشته‌اند. در این بین پیشنهاد نماینده یکی از نامزدها مبنی بر بازشماری تصادفی بخشی از صندوق‌ها در حضور نمایندگان آنها مورد استقبال رهبر انقلاب نیز قرار گرفت و ایشان به شورای نگهبان دستور دادند علاوه بر صندوق‌های خاص مورد شکایت، بخشی از صندوق‌ها نیز به صورت تصادفی و در حضور نمایندگان نامزدها شمارش شود؛ دستوری که در روزهای بعد به‌طور کامل اجرایی شد و حتی علاوه بر نمایندگان نامزدها دوربین‌های تلویزیونی نیز در شمارش تصادفی ۱۰ درصد صندوق‌های رای حضور داشتند. نامزدها در فرصت قانونی، اعتراض مستدلی به شورای نگهبان ارسال نکرده بودند، با این وجود این شورا با موافقت رهبر انقلاب، فرصت قانونی را ۵ روز دیگر تمدید کرد و اوج تسامح و همکاری را از خود به نمایش گذاشت. هیات ویژه‌ای متشکل از حجج اسلام ابوترابی، دری‌نجف‌آبادی و رحیمیان و آقایان دکتر حدادعادل، دکتر ولایتی و دکتر افتخارجهرمی نیز از سوی شورای نگهبان مامور شدند ضمن تعامل مستقیم با نامزدها و نمایندگان آنان، اسناد و مدارک موضوع مورد ادعا را دریافت و سازوکار بازشماری آرا و کسب اطمینان معترضان را تسهیل کنند.

محسن رضایی که در اعتراض خود به شورای نگهبان مدعی شده بود بین ۳/۵ تا ۷/۵ میلیون رای داشته است (فاصله ۲ عدد بسیار جالب توجه است!) در تاریخ ۳ تیر ۸۸ و پس از اعلام نتیجه بازشماری ۱۰درصد صندوق‌ها که منجر به تایید نتیجه اعلامی شده بود، از شکایت خود انصراف داد. موسوی و کروبی که به‌رغم دعوت شورای نگهبان در جلسه آن شورا حاضر نشده بودند و نمایندگان آنان نیز کمترین همکاری را با شورا و هیات ویژه نداشتند، هر روز ادعای خود را همراه با دعوت به آشوب تکرار می‌کردند.

آن دو با خیانت به ملت و حتی هواداران خود گام در مسیری گذاشتند و شعارهایی سر دادند که در سایه آن دشمنان تابلودار انقلاب نظیر منافقین، سلطنت‌طلبان و عوامل سرویس‌های جاسوسی بیگانه توانستند برای مدتی پرده حرمت ارزش‌های مقدس ملت را بدرند و آرامش و امنیت را از بخشی از مردم سلب کنند. نامزدی که دلیل اصلی حضورش در انتخابات را بازگرداندن قوه مجریه به مسیر «قانون» عنوان کرده بود و رقیبش را به قانون‌گریزی متهم می‌کرد از هیچ روال قانونی و پیشنهاد منطقی تمکین نکرد. این رفتار زمانی بهتر درک می‌شود که بدانیم مدعیان تقلب بیش و پیش از همه از صحت نتایج انتخابات مطلع بوده‌اند. مصطفی تاجزاده از موثرترین اعضای ستاد موسوی ماه‌ها بعد از انتخابات در فیلمی که از وی منتشر شد اعتراف کرده بود «در انتخابات تقلب نشده است»؛ او پیش از این در جلسه مهم صبح روز شنبه ۲۳ خرداد ۸۸ در ستاد انتخاباتی اصلاح‌طلبان در حضور اعضای ستاد اعلام می‌کند احمدی‌نژاد قطعا در دور اول پیروز خواهد شد: «من با همه استان‌ها جز استان اردبیل تماس گرفته‌ام، نتایج اعلام‌شده با نتایجی که ما داشتیم هیچ تفاوتی نمی‌کند و تقلبی صورت نگرفته است».

در واقع عدم همکاری فتنه‌گران در رسیدگی به اعتراضاتشان بر پایه طرح مشخصی بود که اجرای آن از مدت‌ها پیش از انتخابات آغاز شده بود و چندان هم نباید انتظار داشت کسی در روند افشای «دروغ» بودن مدعیات خود همکاری نشان دهد. آنها کوشیدند با ادعای تقلب از سنگینی شکست بکاهند و علاوه بر آن در خلال فعال کردن شکاف‌های اجتماعی که به واسطه القای حس مظلومیت در بخشی از جامعه بار احساسی نیز یافته بود، نظام را تحت فشار خیابانی مجبور به باجدهی کنند. این دیکتاتوری آنارشیستی که از ابتدا مبتلا به «فقر منطق» بود و تنها به مدد دوپینگ مالی و رسانه‌ای دشمنان انقلاب به حیات خود ادامه می‌داد، در همان روزهای نخست پس از انتخابات بویژه پس از نماز جمعه تاریخی رهبر انقلاب در ۲۹ خرداد، دچار «فقر مقبولیت» نیز شد و از آن پس این تنها اجتماعات حداکثر چندصد نفره بود که با سران فتنه همراهی می‌کرد؛ اجتماعاتی که اغلب با ضرب و شتم مردم و تخریب اموال عمومی همراه می‌شد. فتنه‌گران در تمام اجزای اصلی راهبرد خود دچار اشتباه محاسبه شده بودند؛ نخست در محاسبه رفتار «نظام» و دوم در محاسبه منحنی رفتاری «مردم» و البته شناخت از «شعور ملت». آنان می‌پنداشتند نظام جمهوری اسلامی در غبار فتنه و با چند حرکت خیابانی دست و پای خود را گم خواهد کرد. چنین پنداشتی درباره نظامی که بیش از ۳ دهه بر همه فشارهای داخلی و خارجی فائق آمده است، بسیار ساده‌انگارانه است. اما اشتباه بزرگ‌تر این گمان بود که می‌توانند از طریق «شمیرانیزه» کردن تهران و به‌دنبال آن «تهرانیزه» کردن ایران، «پروژه فریب» را اجرایی کنند و ملت را در شناخت دشمن دچار اشتباه سازند. ملت ایران در ۹ دی ۸۸ برای چندمین‌بار و البته به شکلی ماندگارتر اثبات کرد شناخت «دیکتاتورها» و شکستن «بت‌ها» را به خوبی از «امام» خود آموخته است.

***

امروز اگر ادعا کنیم حوادث پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری در سال ۸۸ در کنار همه زشتی‌ها و پلشتی‌ها، پیامدهای مبارکی برای ملت ایران داشته است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. از میان آن همه خیانت و دروغ و اغتشاش و آشوب که دل‌های پاک بسیاری را آزرد، بصیرتی متولد شد که نظیر آن را در میان ملت‌ها نه‌تنها در عصر حاضر که در طول تاریخ کمتر می‌توان سراغ داد. ۹ دی ۸۸ اگرچه در پی اهانتی عظیم به ساحت حضرت اباعبدالله‌الحسین‌علیه‌السلام پدید آمد اما پرچمی شد که شرافت ملت بصیر ایران را به رخ عالم کشید و صحنه‌های زیبایی از ایمان و اخلاص و اتحاد را به «اشک» ماندگار کرد و ثابت کرد دشمنان جمهوری اسلامی، دشمن حسین‌بن‌علی(ع) هستند.